



INTERVIEW

گفت و گو

بقیه گفت و گو با محمدرضا باهنر

...و مافلز آقای روحانی را اصولگرای بینیم منتها ایشان و برخی نزدیکان وی تصور داشتند که طرفداران فی البداهه اصلاح طلب وی در انتخابات باعث پیروزی ایشان در انتخابات ریاست جمهوری شدند در صورتی که این درست نیست ما و اصلاح طلبان خوب می دانیم که آقای روحانی علاوه بر حمایت برخی اصلاح طلبان گزینه انتخاباتی بر خی اصولگرایان هم بود. اینکه هاشمی یا خاتمی چه نقشی را در انتخابات ایفا می کنند موضوعی است که باز دیک شدن به زمان انتخابات قابل ملاحظه می شود اما به طور قطع خاموش نمی نشینند و در موضوع ورود می کنند، ما نیز از ورود جریانی که مورد تایید دولت است و با اسم اعتدال و هر نام دیگری در رقابت حضور می یابد استقبال می کنیم.

در مورد کنار آمدن اصلاح طلبان با اعتدالیون نیز نمی توان گمانه زنی بی عیبی داشت چرا که اصلاح طلبان دارای طیف و افرادی با گرایشات مختلف اعم از هنجار شکن، فتنه گر تا افراد متدین و مورد تایید می باشند و به طور کل این سوال که آیا اصلاح طلبان قادر خواهند بود به وحدت برسند نیز به صورت جدی در این اردوگاه مطرح است پس موضوعاتی چون اینکه دولت از چه لیستی حمایت می کند و آقای هاشمی در این میان چه نقشی ایفا می کند سوالاتی است که جوابش را می توان در نزدیک زمان انتخابات گرفت. لازم به ذکر است که اگر چه اصلاح طلبان علاقه مند هستند که اصولگرایان به وحدت نرسند و ما در پاهایی را از آنها کنترل کرده ایم که نشان دهنده تلاش اصلاح طلبان برای عدم تحقق وحدت اصولگرایان است چرا که عمده توفیق خود را در همین نقطه می بینند، ما علی رغم آنکه آن ها را رقیب می دانیم اینگونه نمی اندیشیم و علاقه داریم آنها به وحدت دست یابند و در انتخابات حضور یابند.

چه عوامل موثر و تعیین کننده ای برای انتخابات و میزان مشارکت مردم وجود دارد که در دستان دولت قرار گرفته است؟

موضوعاتی از جمله اینکه آیا تا زمان انتخابات کام مردم از تحقق وعده های دولت شیرین می شود، مذاکرات هسته ای نتیجه روشنی خواهد داشت و موضوع خروج از ر کود از جمله دیگر پامتر های موثر در انتخابات مجلس خواهد بود و ما بین و بین ... آرزو داریم دولت در این موضوعات موفق ظاهر شود.

با توجه به تلاش هایی که برای مصادره به مطلوب کردن آقای ناطق نوری به نفع طیف اصلاح طلب دیده می شود و اظهارات اخیر جناب عالی که پیش از این اعلام داشتید با ایشان نشست داشته اید آیا می توان تصور داشت که وی در صحنه انتخابات به نفع جریان اصلاح طلب یا اصولگرا حضور یابد؟

آقای ناطق را جزو سرمایه های اصولگرایان می دانیم ولی هنوز نتوانستیم ایشان را قانع کنیم که وارد صحنه انتخابات بشوند زیر آقای ناطق اعتقاد دارد احساس تکلیفی از این ناحیه بر دوش خود نمی بیند و امکان عدم حضور ایشان در صحنه انتخابات بیشتر به چشم می خور د، با این وجود اگر کسی این احساس را دارد که آقای ناطق می تواند امتیازی در قلمک اصلاح طلبان بیندازد سخت در اشتباه است.

حضور جریانی به نام احمدی نژادی ها را در انتخابات مجلس چگونه ارزیابی می کنید؟

خیلی ها هستند که چنین ادعایی دارند اما خود نیز در پاره ای از موارد بایکدیگر و شخص احمدی نژاد اختلاف سلیقه دارند این افراد در صورت احراز صلاحیت مانعی برای حضور در انتخابات ندارند ما نیز از حضور این افراد استقبال می کنیم.

نظارت بر اشخاص و آراء در دستگاه قضایی فعال است؛ اما نکته مهم این است که قاطبه قضات ما سالم هستند و اگر افرادی به دلیل ارتباطات ناسالم بخواهند زمینه های ناسالمی در حین کار داشته باشند، به محض اینکه گزارشی از ناحیه مردم یا اصحاب دعویاباید و مستند هم باشد، بلافاصله پیگیری و برخورد می شود و امکان ندارد گزارش مستندی به نهادهای نظارتی قوه قضاییه برسد و پیگیری نگرده؛ مگر اینکه مستند نباشد. در کنار کارکنان دستگاه قضایی، جریان و کالت و کارشناسی نیز وجود دارد که اگر چه زیر نظر دستگاه قضایی نیستند، اما کارهای آنها به نام دستگاه قضای نوشته می شود. مثلاً طرف می گوید از من پول گرفته شده در حالی که پول را قاضی نگرفته و مثلاً وکیل پول را گرفته است. من معتقدم وکیل و کارشناس ناصالح تهدید برای دادرسی عادلانه به شمار می روند، کما اینکه وکیل و کارشناس سالم، بهترین کمک برای دادرسی عادلانه هستند.

بعد از روی کار آمدن دولت یازدهم به نظر می رسد که برخورد با مطبوعات از حوزه هیات نظارت به سمت دستگاه قضایی آمده است. چرا این اتفاق افتاده است، این قصور از هیات نظارت است یا وزارت ارشاد و اینکه چقدر درست است که قوه قضاییه به صورت مستقیم برای برخورد با یک رسانه وارد عمل شود؟

همیشه دستگاه قضایی آخرین راهکار است. در همه موضوعات، از جمله رسانه ها؛ حتی الامکان باید از ساز و کارهای نظارتی و بازدارندگی درون خود سیستم استفاده شود، که در این صورت نوبت به دستگاه قضایی نمی رسد. ما معتمدی که اگر هیات نظارت بر مطبوعات فعال و پویا عمل کند نوبت به دستگاه قضایی نمی رسد و دادستانی هم اساساً نمی خواهد وارد این موضوعات شود؛ اما جاهایی وجود دارد که با هیات نظارت آنچنان که باید به وظیفه خود عمل نمی کند، یا اینکه مورد به دستگاه قضایی اعلام می کنند تا دادستانی بر خورد کند. بهترین راهکار این است که اولاً خود رسانه ها واقعاً خود را قانونمدار بدانند و در چارچوب قانون عمل کنند، اما اگر تخلفی وجود دارد از طریق هیات نظارت رسیدگی شود، ولی اگر احیاناً بخش های مربوطه در زمان مقتضی وارد عمل نشود آنگاه طبیعتاً دادستانی وارد عمل خواهد شد.

نگاه شما انبساطی یا انقباضی است و دنبال برخورد محکم و بازدارنده هستید؟

ما معتمدیم رسانه ها در چارچوب قانون آزاد هستند و این از افتخارات نظام اسلامی ماست که رسانه ها بتوانند در فضای آزاد، نقد بدون تخریب، تهمت زدن و سیاه نمایی داشته باشند. اما اگر یک رسانه از چارچوب قانونی تخلف نمود، خودش باعث محدود شدن رسانه می شود. بهترین روش این است که رسانه ها همان آزادی را داشته باشند و اگر کسی این آزادی را نقض کرد قطعاً بداند خود اولین کسی است که بر آزادی اش خدشه وارد نموده است.

در بحث شرکت هایی که در مشهد وارد سهام فروشی شدند و برخورد قضایی صورت گرفت. رویکرد نهایی دستگاه قضا چگونه است؟

تمام آنچه که دادستانی مشهد در این مورد دنبال کرده برای حفظ حقوق مردم و سرمایه گذاری است. اما حمایت از سرمایه گذاری با تخلف تفاوت دارد. آنچه که دادستانی مشهد دنبال می کند این موضوع است که هم تولید باشد، هم اشتغال و هم رونق اقتصادی. هم حفظ حقوق و سهام مردم باشد و هم در عین حال تخلفی نباشد. تلاش این است که با حفظ تولید، کار اقتصادی ادامه یابد اما جرمی هم صورت نگیرد. اگر این اصل مهم پیگیری نشود مردم ضرر خواهند دید. دادستانی اصلاً و فی نفسه، به دنبال تعطیل کردن یا تاخیر در پروژه ها نیست.

بلا تکلیفی و ترس در سهامداران وجود دارد. چه حرفی برای آن ها دارید؟

الان استاندارد و تیمی که با استاندار همکاری می کنند کارشان این است که پیگیری و نظارت داشته باشند تا در کار تولید خللی ایجاد نشود و مصرانه دنبال این هستند که در عین رسیدگی به تخلفات، اصل پروژه ها و کارهای عمرانی و تولید مختل نشود.

که خود بانک باید مدعی و پای کار باشد. بانک و بخش حقوقی بانک باید مثل مال شخصی خود، دنبال احقاق حقوق بانک باشد زیرا که حقوق عمومی است و باید به جد پیگیری نمایند.

البته برخی مسئولان بانک مرکزی مدعی هستند که پرونده این افراد وجود دارد

آن چیزی که من همین امروز از آقای جعفری دولت آبادی دادستان تهران پرسیدم و لیست برای ایشان ارسال شده است گفتند که کمتر از ۳۰ نفر از این لیست دارای سوابق در دادگستری تهران هستند. عرض من این است که تا راده جدی برای مبارزه با فساد نباشد این کار موفق نخواهد بود. در دولت اصلاح ساز و کارها، باید اصل باشد و اگر هم با مفسدی برخورد کردند خودشان مدعی باشند و پیگیری کنند. پیگیری دستگاه قضایی این است که هم نظارت دائم داشته باشد و در بخش رسیدگی هم حکم بدهد و قطعیت حکم را به اطلاع مردم برساند.

امسال قوه قضاییه افراد شاخص و مسئول را مورد برخورد قرار داد از جمله رحیمی، مرتضوی و مهدی هاشمی. بخشی از افکار عمومی همیشه دنبال دانه درشت ها و مفسدان بزرگ اداری در این مفاسد اقتصادی است. به نظر شما این سیاست چقدر می تواند در اعتماد سازی موثر باشد و قوه قضاییه اراده دارد تا در مسیر پرونده ها با هر مسئولی در هر سطحی برخورد داشته باشد؟

ما در دستگاه قضایی فکر می کنیم که اجرای عدالت ایجاب می کند که به هیچ عنوان هیچ کسی بالاتر از قانون نباشد و هیچ شخصی حاشیه امنی برای خودش فرض نکند و نتیجه آن این باشد که اگر افرادی با یک عنوانی فساد کردند در امان نباشد و مثل افراد غیر مروفی که فساد کردند برخورد شود. عدالت ایجاب می کند که فردی با هر سمت و جایگاهی، اگر مرتکب فساد شد باید برخورد عادلانه و محکم با وی صورت بگیرد. سمت و سوی دستگاه قضایی هم همین است که واقعاً افرادی را که مرتکب فساد و تخلف شدند بدون در نظر گرفتن اتصال آن ها مورد محاکمه عادلانه قرار دهد. البته اگر افرادی پیدا شوند که موقعیت و اتصالی داشته باشند طبیعتاً شاید در برخی مواقع فشار هم باشد، اما مهم این است که قاضی مابدون تاثیر گرفتن از هیچ شخص یا جریانی، رسیدگی عادلانه بنماید و بتواند حکمش را بادر نظر گرفتن خدا و قانون، صادر کند. چه در این صورت می تواند به جامعه آرامش دهد و مظهر عدالت قضایی باشد. امروز اگر مواردی از فساد بخش های مختلف به دستگاه قضایی اعلام شود، بنای اغماضی با هیچ شخصی رانداریم.

در بحث نظارت ها و کنترل های درون قوه قضاییه وضعیت را چگونه می دانید؟

یکی از نقاط ضعف دستگاه قضایی در افکار عمومی می تواند فساد در درون دستگاه قضایی باشد که علی رغم محدود بودن بزرگ دیده می شود البته نمونه های برخورد درون قوه عنوان شده و شاید نمونه خوب آن دادستان سابق تهران باشد.

در دستگاه قضایی ما بخش های نظارتی داریم که بخشی نظارت بر اشخاص دارند و برخی نظارت بر آراء و احکام دارند. نسبت به اشخاص، خود مدیران نظارت بر زیر مجموعه دارند. حفاظت و اطلاعات در قوه قضاییه داریم. ارزشیابی قضات را داریم که علاوه بر بخش های بیرونی است. بازرسی ویژه داریم که زیر نظر رئیس محترم قوه قضاییه است. اینها بازرسی های آشکار است. اما بازرسی های پنهان هم داریم و بدون اینکه دست اندرکاران قوه بدانند، بازرسان با پوشش صاحب پرونده رجوع می کنند و گزارش هایی را تنظیم می کنند که این بازرسی های پنهان بسیار مؤثر بوده و آثار و برکات زیادی داشته است. نسبت به آراء قضایی هم علاوه بر شعب تجدید نظر و دیوان عالی کشور، معاونت نظارت بر دادسرا ها در دادستانی کل کشور وجود دارد. زیر نظر دیوان عالی کشور هم معاونت نظارت بر تمام محاکم وجود دارد. تاکنون و در مدت کوتاهی که به دادستانی آمده ایم گروه های متعددی برای بازرسی را به دادسراهای سراسر کشور اعزام کردیم و دیوان عالی کشور نیز برای نظارت بر همه محاکم ناظر و بازرس اعزام می کند. علاوه بر این کمیسیون بررسی صلاحیت قضات و دادگاه و دادسرای انتظامی قضات را داریم. در کل یعنی الان ساز و کار